

داستان واره استعفای سه نفر از هموندان شورای هماهنگی شبکه سکولار دمکرات های سبز و یکی از هموندان جایگزین

کامبیز باسطوت 02/28/2012

همانطور که هموندان شبکه سکولار دمکرات های سبز و علقمندان به آن آگاه هستند تعدادی از هموندان شورای هماهنگی و در پی آن تعدادی از هموندان انجمن های شبکه از عضویت در شبکه استعفا داده اند یکی دو داستاواره (نرتیو)¹ از این جریان گفته شده است و این داستان واره این قلم از آشوب و جدائی در شبکه است. این جدائی برای هر ناظری در خارج از شبکه و حتی خود این هموندان کوشنده که در پالتاک آن هفته ای یک بار و برای عده ای از هموندان کوشنده حتی دو بار گردهمایی داشتند شگفت آور است. چگونه این شبکه بظاهر آنچنان منسجم در دورانی کمی بیشتر از یک ماه بخاطر یک موضع گیری معین "حکومت غیر متمرکز و یا فدرالیسم" که در مصوبه 9 اگست متبلور شده است و در آخرین رأی گیری برای معتبر بودن آن موافقان و مخالفان چهار به چهار مساوی شدند و بعداً با رأی روسای انجمن های حاضر در جلسه دوباره تأیید شد و به جدائی منجر شد. لازم به یادآوری است که این مصوبه در رابط با گفتگو و مذاکره برای تشکیل یک آلترناتیو گسترده از مخالفان سکولار دمکرات و معتقد به انحلال رژیم اسلامی و به یک پارچگی ایران بود. در این آلترناتیو سازی در رابطه با اقلیت های قومی در مصوبه 9 اگست در بند های "ث" و "ج" توضیح داده شده است. دو کلمه و مفهوم "حکومت غیر متمرکز و فدرالیسم" در رابطه با اصل حکومت مردم بر مردم به دلایلی برای بیش از یک ماه تبدیل به یک بحث پر هیجان و مبارزه جویانه در میان هموندان شبکه شد.

برای اولین بار پیش از مذاکراتی که با کنگره ملیت ها در پیش بود دکتر نوری علا در جلسه میان هفتگی از حاضران خواست که نظر خود را درباره چگونگی این مذاکره به او بدهند تا او با آمادگی بیشتری در مذاکرات شرکت کند و از نظرهایی که میشوند استفاده کند. این قلم با اطلاعاتی که در اختیارش گذاشته شده بود بطور کلی با روال این مذاکرات مخالف و صدائی تنها بود. بعداً من نظر خود را در نوشتار کوتاهی " شبکه سکولارهای دمکرات و کنگره ملیت ها" بیان کردم که متأسفانه بیشتر پیش بینی های من در آن نوشته به واقعیت پیوست. در این میان کنگره همبستگی در کلن تشکیل شد و یکی از هموندان شورا خانم فرحناز عمادی و یک رئیس انجمن دکتر آبار در آن کنگره بطور مستقل و نه از طرف شبکه شرکت کردند. این دو هموند شبکه با تجربه بدی که از کنگره داشتند و بخاطر موضع قومیت های شرکت کننده در کنگره برای حکومت فدرال با موضع مستحکم حکومت غیر متمرکز بجای فدرال در جلسه های پالتاک شبکه شرکت کردند. در دو جلسه طولانی ای که درباره حکومت فدرال و غیر متمرکز در میان هموندان در گرفت و هر کدام به پنج، شش ساعت رسید فضای سیاسی قطبی در میان هموندان ایجاد شد. در این جلسه ها دکتر نوری علا که مشکلی با کلمه فدرال نداشت یکی دو بار به رسیدن به وقت انشعاب اشاره کرد. در آخرین جلسه تند گوئی هائی شد و زمانیکه دکتر نوری علا جلسه را ترک کرد جناب حسین بر خواست که به جلسه پالتاک خاتمه بدهد چون دکتر نوری علا دیگر در جلسه نبود، ایشان همینطور گفتند که چون دکتر نوری علا رهبر شبکه است همه باید از او پیروی کنند که با اعتراض دیگران روبرو شد و جلسه برای مدتی با حضور هشت هموند ادامه پیدا کرد. همینطور در این دوران چند هفته ای ایمیل هائی در مخالفت و اعتراض با وارد شدن کلمه فدرال در ادبیات سیاسی شبکه و پیشنهاد جایگزینی آن با حکومت غیر متمرکز و پاسخ های دکتر نوری علا بر پایه پذیرفته شدن فدرالیسم در ادبیات شبکه برای مذاکرات توسط شورای هماهنگی با استناد به مصوبه 9 اگوست بین هموندان رد و بدل میشد. نکته قابل توجه در ای میل های دکتر نوری علا تهدید مکرر اعتراض کنندگان به اخراج از شبکه بخاطر سر پیچی از مصوبات شورا بود. رجوع شود به داستان واره رسمی نوشته شده توسط دکتر نوری علا در سایت شبکه.

برای یک هفته جلسه پالتاک تشکیل نشد اما در این مدت تا تشکیل جلسه بعد که چهارده روز میشد دکتر نوری علا و جناب حسین بر در تلویزیون اینترنتی میهن با جناب بهبهانی گفتگو کردند که در آن به یکی بودن حکومت غیر متمرکز و فدرال و تعریف های آنها

¹ narrative

اقدام کردند در همین فاصله خانم فرحناز عمادی هم در تلویزیون میهن با آقای بهبهانی گفتگو کرد و از حکومت غیر متمرکز برای تامین حقوق اقوام دفاع کرد و حکومت فدرال را پیش در آمد تجزیه طلبی اعلان کرد بر خلاف نظر دکتر نوری علا و جناب حسین بر. بدین ترتیب یک برنامه برای مذاکره با سازمان ها سیاسی قومیت ها برای تشکیل یک آلترناتیو تبدیل به شکاف در میان هموندان شورای هماهنگی شد. در این میان بخشی تصویب نامه 9 اگوست شورای هماهنگی را که در آن کلمه فدرالیسم را ملاک عمل معتبر مذاکرات اعلان میکرد و مخالفان آنرا در تناقض با اساسنامه میدانستند چون در هنگام پیوستن به شبکه اعلان نشده بود و بعداً بصورت تصویب نامه سیاست شبکه شده بود. همین هنگام مذاکرات با کنگره متوقف شده بود بدلیلی که گروه مذاکر کننده داشتند و ربطی به جدال در شبکه نداشت و بیشتر در نتیجه زیر سوال بردن هویت ملیت ایرانی بود. در همین حال شعله های آتش سوزنده جدائی بلندتر میشد در حالیکه این آشکار بود که اصولاً این بحث در در شبکه ضروری نبود. مخالفان فدرالیسم پیشنهاد میکردند که بحث فدرالیسم مانند نوع حکومت جمهوری و یا پادشاهی به بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی سپرده شود اما دکتر نوری علا معتقد بود که این بحثی اینجائیس نیست نه آنجائی و در شبکه بخشی هم از او پیروی میکردند.

در هر صورت جنگی بین دو گروه آغاز شده بود که ظاهراً نمیتوانست با صلح پایان یابد جنگی که هیچگونه ضرورتی برای آن نبود. در نوشتار کوتاهی که من زیر عنوان "چگونه در شبکه با بحران فدرالیسم روبر شویم" در پاراگراف آخر من این پیشنهاد را به هموندان شبکه دادم: در حال حاضر وضعیت شبکه باین قرار است که گروه مذاکره کننده با حزب دمکرات کردستان در میان سایر گروه های سیاسی برای تشکیل مقدمات آلترناتیو سازی به نوعی توافق رسیده اند و با کنگره ملیت ها مذاکرات را رها کرده اند. بنابراین چنانچه هموندانی از شبکه که به آوردن نوع رژیم فدرال معتقدند آنرا برای خودشان نگهدارند و بطور کلی بحث فدرالیسم در میان هموندان شورای هماهنگی و دیگران متوقف شود میتوان به این بحران در شبکه خاتمه داد. روال آلترناتیو سازی بر پایه اصول پیشین میتواند ادامه پیدا کند و شبکه در برابر اقلیت های قومی از معین کردن نوع رژیم سکولار دمکرات تا آنجا که به اداره جغرافیائی آن مربوط است بیشتر از آنکه در اساسنامه اش آمده خود داری کند.

جلسه پالتاک 19 فبریه با دستور جلسه از طرف جناب حاذق اعظم و ریاست جناب حسین بر تشکیل شد و دکتر نوری علا در آن غایب بود. مواضع دو طرف معین بود که یا میباید موضع اختلاف از روی میز برداشته میشد و در کشو قرار میگرفت و یا با صدمه جدی به شبکه پایان میافت. دستور جلسه طوری تهیه شده بود که تصویب نامه 9 اگوست تائید شود. سرانجام وقتی که کار به رأی گیری در باره تصویب نامه 9 اگوست رسید بعضی اعضا برخلاف بحث و موضعی که داشتند رأی دادند. برای مثال یکی از اعضای شورا که عضو هیئت امنای نهاد مردمی است و همین سازمان سیاسی بخاطر کلمه فدرالیسم از همکاری با شبکه برای تشکیل شورای آلترناتیو سازی خود داری کرده است به تصویب نامه کذائی رأی داد در تناقض کامل با سیاست رسمی نهاد مردمی. در هر صورت رأی هموندان شورا چهار به چهار بود و با رأی روسای انجمن ها که بیشتر آنان عضو شورا هم بودند تصویب نامه 9 اگوست ایفا شد. پیش از این رأی گیری پیشنهاد داده شد تا برای بازبینی مصوبه رأی گیری شود چون مشکل تمام آن نیست و تنها بخشهایی از آن و کلمات بکار رفته است. مهندس حاذق اعظم با این استدلال که بازبینی مصوبه توسط هر یک از هموندان شورا میتواند در دستور جلسه قرار بگیرد و احتیاج به رأی گیری ندارد بنابراین رأی گیری برای بازبینی مصوبه 9 اگوست منتفی شد. جلسه باین ترتیب پایان یافت اما هنوز امکان داشت با بازبینی مصوبه هموندان شورا به نوعی توافق برسند.

با انتشار داستانواره گزارش جلسه بوسیله ایقا کنندگان مصوبه و با برکناری جناب آرمان نجم از مسئولیت هماهنگ کننده انجمن های اروپا توسط دکتر نوری علا بعلت داشتن مقام هماهنگ کننده امور اجرایی و لحن آمرانه نامه ایشان جناب آرمان نجم از هموندی شورای شبکه استعفا دادند و ای میل هائی فرستاده شد که آخرین بندهای همبستگی را برید. در پی آن بانوان و ویکتوریا آزاد و فرحناز عمادی هم از هموندی شورای هماهنگی شبکه سکولارهای سبز و همچنین دکتر آبار از شبکه استعفا دادند و این قلم نیز به آنها پیوست و استعفا داد. پیش از انتشار گزارش جلسه من متنی را تهیه کردم برای درخواست بازبینی مصوبه 9 اگوست به توصیه جناب حاذق اعظم به این ترتیب:

هموندان گرامی درود

همانطور که در پالتاک 19 فبریه 2012 جناب حاذق اعظم بیان داشتند برای بازبینی مصوبه 9 اگوست هموندان شبکه میتوانند از رئیس شبکه در خواست کنند تا آن در دستور پالتاک هفته بعد قرار گیرد و در این مورد احتیاج به رأی گیری نیست. برای همین من بدین وسیله از رئیس شبکه در خواست میکنم تا بازبینی مصوبه 9 اگوست 2012 در دستور جلسه پالتاک 25 فبریه قرار بدهند. البته من آگاه هستم که مقرره جدیدی بدون گفتگو و تصویب شورای هماهنگی در گزارش پالتاک هفته گذشته اعلان شده است که هر گونه

بازبینی تصویب نامه ای باید به اتاق فکر برود و از آنجا در دستور جلسه قرار گیرد، با اینوجود چون چنین قراری را جناب حاذق اعظم در آن جلسه برای گذاشتن تصویب نامه مذکور در دستور جلسه اعلان نکردند بنابر این من انتظار دارم ایشان بقول خود وفادار بمانند.

که دیگر جایی برای مطرح کردن بازبینی مصوبه 9 اگوست باقی نمانده بود.

پرسش های زیادی برای بر پا شدن این آشوب و جدائی بخشی از فعال ترین کوشندگان شبکه در خواست پاسخ مینمایند. آیا تشکیل شورای مقدماتی برگزار کننده آلترناتیو سازی با شرکت اقلیت های قومی با دادن امتیاز معینی از طرف شبکه مانند پذیرفتن فدرال بودن حکومت آینده ایران با تعریفی که اقلیت های قومی از آن دارند (خودمختاری با سابقه تاریخی دوران جنگ دوّم جهانی) ارزش متلاشی کردن شبکه را داشت؟ چرا دکتر نوری علا و جناب حسین بر برای جای انداختن فدرالیسم در شبکه بجای حکومت غیر متمرکز که به گفته خودشان یکی است شورای هماهنگی را دچار چنین بحرانی کردند؟ چطور میشد اگر بحث فدرالیسم بخاطر ضروری نبودن آن متوقف میشد؟ آیا مخالفت عده ای از هموندان شورا با عقیده و نظر دکتر نوری علا برای او غیر قابل تحمل بود و فکر میکرد اختیار شبکه دارد از دست او خارج میشود و به همین علت اشاره به انشعاب در شبکه و تهدید به اخراج هموندان شورا میکرد؟ آیا همانطور که جناب حسین بر اشاره کرد و دکتر نوری علا را رهبر شبکه اعلان کرد و از دیگران خواست از او پیروی کنند واقعیتی است که دیگر هموندان از آن غافلند؟ اگر چنین فرضی وجود داشته باشد در آینده امکان ندارد که هموندان دیگری وقتیکه پی ببرند سیاهی لشکری بیش در شبکه نیستند آنرا ترک نخواهند کرد؟ وقتیکه شبکه هدف خود را متحد کردن نیروهای سیاسی سکولار دمکرات برای انحلال جمهوری اسلامی قرار داده است در حالیکه به این راحتی انسجام خود را متلاشی میکند، این پرسش ها را پیش نمیاورد. بهر روی آینده ای که قابل ساختن است و وقتیکه به گذشته تبدیل شد غیر قابل تغییر است به این پرسش ها پاسخ خواهد داد.

www.iranpolitics.org

info@iranpolitics.org